

نقش رفق و مدارا در تربیت دینی

عبدالله انصاری

دانشپژوه: دکترای علوم قرانی و تربیت

مقدمه

تربیت فرایند بسیار پیچیده و دشوار است چون مورد آن (انسان) از لحاظ خلقت و آفرینش دارنده خصوصیات و مشخصه‌های فوق العاده درهم تنیده و لایه‌های گوناگون می‌باشد. در تربیت نمی‌توان به خصوصیات، ویژگی‌ها، حالات روحی و شرایط محیطی و... متری بی‌توجه بود و اصول و ضوابط تربیتی را نادیده گرفت. اصول در جهت دهی مربی و سود جویی مناسب از روشها در جهت مقاصد تربیتی تاثیر شایان و نمایانی دارند. رفق و مدارا از اصول کاربردی در حوزه تربیت بوده و عرصه تحقیقات تربیتی از آن جهت بسیار مورد بی توجهی قرار گرفته، بزرگترین جفا در حق آن روا داشته شده است. در این تحقیق به بررسی این اصل که کاربرد تربیتی فراوان دارد و همواره مورد غفلت بوده است، می‌پردازیم.

مفهوم رفق و مدارا؟

برای روشن شدن مفهوم رفق و مدارا نخست به بیان معنای آن می‌پردازیم:

الف. رفق: رفق در لغت به چند معنا به کار برده شده است:

خوب انجام دادن کار در برابر بد انجام دادن آن، نرم خوئی و ملاحظت در مقابل تند خوئی و شدت عمل، میانه روی و اعتدال در انجام کار، محکم کاری و دقت در انجام کار (طریحی، ذیل ماده رفق)

ب. مدارا: مدارا نیز در لغت به معنای ملاحظت و نرمی و احتیاط به کار رفته است (همان، ذیل ماده دری) با توجه به مفهوم لغوی رفق می‌توان چنین استنباط کرد که واژه مذکور در زبان عربی به معنی انجام کار به دقت، زیبای در مقابل خرق که به معنی انجام کار باشدت، خشونت و زشتی است می‌باشد.

مدارا نیز به معنی نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران است. مدارا به دو صورت بروز می‌کند:

الف. گاه برای محفوظ ماندن از گزند دیگران انجام می‌شود که به آن مدارای احتیاطی گویند

ب. گاه به منظور بهره مندی و استفاده از دیگران در جهت مقصود و مطلوب خود صورت می‌پذیرد این دو واژه (رفق و مدارا) هر چند از لحاظ معنی و مفهوم بسیار نزدیک‌اند اما موارد کاربرد آن‌ها متفاوت است. رفق معمولاً در مورد دوستان، موافقین و در نهایت در مورد غیر مخالفان به کار می‌رود ولی مدارا در مورد مخالفان و دشمنان استفاده می‌شود (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). این مفهوم از کاربرد متعدد روایات به خوبی پیدا است که به نمونه‌های آن اشاره می‌شود: «لاتحملوا علی شیعتنا و ارفقوا بهم» (کلینی، ج ۸، ۳۳۴)

شیعیان ما را بر تکالیف سخت و دشوار واندارید و با آنان با نرمی و ملایمت رفتار نمایید.

در روایت دیگر چنین آمده است: «واما المخالفون فیکلمهم بالمداراة» (میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۹)

در روایات فوق رفق در مورد شیعیان و دوستان و مدارا در مورد مخالفان به کار رفته است. با مراجعه به متون مربوطه می‌توان معنای وسیع تر و عام تری نیز برای این دو واژه یافت که هم معنای رفق و هم معنای مدارا را پوشش می‌دهد به عنوان مثال در روایات ذیل: «امرنی ربی لمداراة الناس کما امرنی باداء الفرائض» (مجلسی، ج ۹، ص ۲۰۲).

پروردگام مرا به مدارا کردن با مردم دستور داده است همان گونه به انجام واجبات امر فرموده است.

ان الله عز و جل بعث محمدا، فامرہ بالصبر و الرفق (همان).
خداوند محمد را برانگیخت، سپس او را به استقامت و بردباری و ملایمت دستور داد.

رفق و مدارا در این دو حدیث کار برد وسیع تر و گسترده تر از رفق و مدارا در دو حدیث نخست دارد. ولی امروزه در زبان فارسی این دو واژه کار برد واحدی دارد و صورت مترادف و ترکیبی دارند و آن‌ها را به صورت مجزا و معانی مستقل استفاده نمی‌کنند (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸).

حقیقت هر چه باشد امروزه چه در زبان عربی و چه در زبان فارسی، این دو واژه در تعلیم و تربیت به معنای این است که مربی، متربی را با ملایمت، دقت و زیبایی (بدون اینکه متربی مشکل و تکلفی احساس نمایند) به سوی اهداف تربیتی مورد نظر جهت دهد.

تفاوت عفو و تغافل با رفق و مدارا

رفق و مدارا از واژگان اساسی این پژوهش است پیش از ورود به اصل بحث این واژه را با واژگان مشابه آن مقایسه می‌کنیم. آیا رفق و مدارا همان عفو و تغافل است؟ تفاوت رفق و مدارا با عفو و تغافل چیست؟

الف. معنای اصلی عفو نا بود کردن و از بین بردن است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۴). فیض کاشانی در تفسیر صافی نقل می‌کند، عفو به معنای دست برداشتن از مجازات و صفح به معنای ترک سرزنش و توبیخ است (کاشانی، ص ۱۸۰). علامه طباطبایی کلمه عفو را به معنای پوشاندن گرفته (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۶). عفو نادیده گرفتن خطا به هدف ترحم بر مجرم است ولی رفق و مدارا بر خورد ملایم و نرم در برابر رفتارهای نا مناسب و ناسازگار است با این تفاوت که در رفق و مدارا ممکن است رفتار ناسازگارانه به انگیزه مخالفت نباشد بلکه رفتار ناسازگارانه ناشی از ضعف متربی باشد.

ب. تغافل خود را به بی‌خبری زدن و غافل نشان دادن از روی عمد و قصد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، واژه غفل و انوری، ۱۳۸۵، ص ۶۳۰) تغافل و مدارا با اشتراک

در نا دیده گرفتن رفتار ناسازگارانه و خطای طرف به منظور دستیابی به اهداف تربیتی، تفاوت‌های نیز دارند:

اول: در رفق و مدارا وانمود کردن مطرح نیست در حالیکه عنصر اصلی در تغافل وانمود کردن و نادیده انگاشتن است.

دوم: در تغافل احساس نفرت از کار خطا کار وجود دارد اما به دلیل اهداف تربیتی برتر از ابراز آن خود داری می‌کند و تلاش می‌کند خطا کار را به صورت غیر مستقیم از لغزش باز دارد ولی در مدارا ممکن نفرتی هم در کار نباشد.

سوم: در مدارا ممکن است خطایی در کار نباشد بلکه با هدف انجام کار به کامل‌ترین وجه و با رعایت همه جزئیات اصلی و فرعی با توجه به شرایط زمان، مکان و نیز اوضاع، از متری خواسته نشود.

پیشینه

باتوجه به اینکه رفق و مدارا یکی از اصول مهم و بنیادی در امر تعلیم و تربیت می‌باشد و کار برد آن در زندگی فردی و اجتماعی به خصوص امر تربیت، ضروری و لازم به نظر می‌رسد اما تحقیقات بیانگر عدم پژوهش کافی و وافی که همه جوانب آن را در برگیرد، می‌باشد. کتاب و رساله زیادی در باره اصول و روش‌های تعلیم و تربیت نگاشته شده ولی محققان بسیار کمی در نقش رفق و مدارا در تربیت پرداخته‌اند. این مهم بیشتر در مباحث اخلاقی بحث شده است تا علوم تربیتی. محققانی اندکی به صورت گذرا و ناقص آن را مورد توجه قرار داده‌اند. با این وصف پیشینه تحقیق را به اختصار پی می‌گیریم. در این رابطه می‌توان به کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات نوشته شده در مورد روش‌های تربیتی در اسلام مراجعه کرد. منابع را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف. منابع دینی

بحث رفق و مدارا در منابع دین ریشه دار و از سابقه طولانی برخوردار است. با تفحص در آیات و روایات به خوبی می‌توان به محوریت آن در فرایند تربیت پی برد. پیشوایان دین نیز در موارد متعددی از این اصل بهره گرفته‌اند و در بیانات هدایت‌گرانه

خویش از پیامدهای روحی و روانی به کارگیری این روش پرده برداشته‌اند. محقق نیز در صدد توصیف، تحلیل و طبقه‌بندی و بهره‌گیری آن در امور تربیتی است. قرآن، نهج البلاغه، اصول کافی، وسائل الشیعه و... منابعی دینی‌اند که در تحقیق پیشرو مورد بهره‌گیری قرار گرفته شده‌اند.

ب. نوشته‌های کارشناس تربیتی

در کتاب‌های مربوط به تعلیم و تربیت به ویژه کتاب‌های که به بحث اصول روش‌های تربیتی پرداخته‌اند، سخن زیادی از این روش به میان نیامده است و کسانی هم که وارد این مقوله شده‌اند به سرعت رد شده و از زوایا و ریزه‌کاری‌های بحث غفلت ورزیده‌اند و به توضیح آثار آن التفات چندانی نکرده‌اند.

اینجا به چند نمونه از کتاب‌های تربیتی اشاره می‌شود:

۱. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی نویسنده، دکتر خسرو باقری، با اشاره به مبانی، اصول و روش‌های تربیت و... با بیان ضعف انسان، او را مستلزم مسامحت، نرمی و ملایمت و نیز تکالیف را مرحله‌ای می‌داند اما بسیار مختصر، گذرا و کوتاه بحث کرده و به انواع، آثار مسامحه اشاره نکرده است.

۲. کتاب درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلام نیز با همین مشکل روبرو است.

۳. تربیت فرزند سید علی حسینی زاده نیز به اهمیت نرمی و ملاحظت اشاره کرده اما محدوده و قلمرو، آثار و... آن از دید افتاده است.

۴. عبد الرحمان النحلوی در کتاب اصول التریبه الاسلامیه و اسالیبها نیز از این مهم غفلت نموده است.

۵. سعید اسماعیل علی نیز در کتابی به همین نام به این اصل اشاره ندارد.

۶. تنها کسی که به این امر توجه بیشتر داشته دکتر محمد داوودی در کتاب تربیت دینی است. او مساله را تا حدودی بسط داده ولی از پیامدهای منفی رفق و مدارا غفلت ورزیده است. بنابراین موارد یاد شده تحقیق حاضر سعی دارد نواقص پژوهش‌های قبلی را تا حدودی جبران نماید.

تربیت دینی

برای روشن شدن معنا و مفهوم تربیت دینی ابتدا لازم است معنای تربیت و دین بیان شود:

تربیت: تربیت عبارت است از مجموعه اعمال یا تاثیرات عمدی و هدفدار یک انسان بر انسان دیگر به ویژه تاثیر افراد بالغ و مجرب بر کودک و نوجوان به منظور ایجاد صفات (اخلاقی و علمی) یا مهارت‌های حرفه‌ای.

دین: معنای فارسی دین؛ کیش، آیین و طریقت می‌باشد (دهخدا ماده دین) و در عربی نیز به معنای اطاعت، انقیاد، آیین و شریعت و... آمده است. در اصطلاح دین عبارت است از: مجموعه از عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات.

نظر به معانی دین و تربیت، می‌توان معنی تربیت دینی را این گونه تعریف نمود: تربیت دینی، مجموعه اعمالی عمدی و هدفدار است که به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه متعهد و پای‌بند گردد.

رفق و مدارا به عنوان یک اصل تربیتی

مسلم است که نرمی و ملایمت در جذب کودک و نیز نفوذ بر او بسیار موثر است. مربی در امر تربیت باید کاری کند که کودک با میل درونی، عشق و علاقه پذیرای تربیت و مقاصد تربیتی او شود. خشونت و سخت‌گیری نه تنها عامل تربیت نیست بلکه سبب دوری متربی از مقاصد تربیتی و عدم اطمینان و پذیرش گفتار و رفتار هدایت‌گرانه مربی و والدین می‌گردد. این حقیقت تربیتی را خداوند در قرآن برای پیامبر اسلام گوش‌زد می‌کند.

فبما رحمۃ من الله لنت لهم لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك(آل عمران/ ۱۵۹).

به لطف رحمت الهی با مردم نرم‌خو و مهربان شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی یقیناً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

این آیه به روشنی تمام نرم‌خویی و مهرورزی را در برابر خشونت، سخت‌گیری و درشت‌خویی را به عنوان اصل اساسی و بنیادی مورد تاکید قرار می‌دهد و می‌فرماید

ای پیامبر اگر بخواهی مردم را هدایت و تربیت کنی باید برخورد تو به گونه‌ای باشد که به سخنان تو گوش دهند و پذیرای آن شوند اگر به گونه‌ای رفتار نمایی که حاضر به شنیدن سخنان تو نباشند چگونه می‌خواهی به حق بودن تو پی ببرند؟

طبیعت انسان با نرمی و احسان سازگار است و لذا در برابر محبت و ملامت تسلیم و در مقابل خشونت، سخگیری و درشتی ایستادگی و گردن فرازی می‌کند و آن را بر نمی‌تابد. از آنجا که کودکان ضعیف‌اند و توان برخورد در خود نمی‌بینند، این ویژگی در آنان بسیار نیرومندتر از بزرگسالان است، نیازمندی آنان به این مهم بیشتر خواهد بود. از این رو لازم است مربی با روشهای نرم و ملایم در جذب و نفوذ بر مرتبی همت گمارد (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴).

جایگاه مدارا در سیره

از آنجا که معصومان به عنوان رهبران الهی و دینی برای تربیت و هدایت بشر آمده‌اند، رفتار آن‌ها به عنوان الگو و نمونه برای مربیان، معیار رفتار و برخورد آنان با متربیان می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد که ما به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

«روزی امام حسن مجتبی سواره عبور می‌کرد. پیرمردی از اهل شام هر چه توانست به آن حضرت ناسزا گفت وقتی سخن او تمام شد، امام به کمال محبت در حالیکه خنده بر لب داشت به او فرمود گمان می‌کنم مردی غریبی هستی گویی اموری بر تو مشتبه شده و نا آگاه هستی. اگر از ما رضایت طلبی از تو خشنود می‌شویم. اگر از ما چیزی می‌خواهی به تو عطا می‌کنیم اگر راه هدایت را از ما بجویی، آن را به تو نشان می‌دهیم اگر گرسنه باشی، تو را سیر می‌کنیم. اگر برهنه باشی تو را می‌پوشانیم. اگر نیازمند باشی، تو را بی‌نیاز می‌سازیم. اگر رانده شده‌ای، به تو پناه می‌دهیم. اگر بار سفر خود را به خانه ما آوری مهمان ما هستی تا به میل خود روی. اکنون به خانه ما بیا که خانه وسیع داریم و برای مهمان نوازی آماده‌ایم. پیر مرد در برابر سخنان مهر انگیز امام، تحت تاثیر قرار گرفت و شرمند شد و گریه کرد و گفت: گواهی می‌دهم، تو خلیفه خدایی، خدا دانا تر است که مقام رسالت خود را در وجود چه کسی قرار دهد. تو و پدرت قبل از این نزد من مبعوض‌ترین انسان‌ها بودید ولی اینک محبوب‌ترین انسانها می‌باشید. پیر مرد بار سفر خود را به خانه امام حمل کرد و تا در مدینه بود. مهمان آن

حضرت بود و از معتقدان به خاندان رسالت و از محبان استوار و با اخلاص آنان گردید» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۴۴).

انس ابن مالک می‌گوید: «روزی رسول خدا مرا در انجام کاری دستور داد و من گفتم نمی‌روم. هر چند که در نظر داشتم بروم. به همین سبب اندکی بعد برای انجام کار روان شدم. در بین راه به کودکانی که در بازار مشغول بازی بودند برخورددم و به تماشای آن‌ها ایستادم. پس از چندی رسول خدا دست بر گردنم گذاشت. به او نگرستم که می‌خندید. سپس فرمود انس آنجا که گفتم رفتی؟ گفتم می‌روم، و سپس روانه شدم» (ابوزهره، ج ۱، ص ۱۲۹).

موارد رفق و مدارا

موارد رفق و مدارا و کار برد آن کدام است؟ به طور کلی موارد رفق و مدارا در سیره معصومان به دو دسته رفق و مدارا با خود و رفق و مدارا با دیگران تقسیم کرده‌اند:

الف. رفق و مدارا با دیگران

در سیره تربیتی معصومان مدارا با دیگران در موارد گوناگونی مورد تاکید قرار گرفته است به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. رفق و مدارا در تبیین مسایل دینی

مخاطب شناسی و درک قدرت فهم آن از اصولی بنیادی تاثیر گذاری و نفوذ در مسایل تربیتی محسوب می‌شود. اگر مربی این اصل را رعایت نکند یا تربیت اصلا صورت نمی‌پذیرد و یا اگر انجام شود بسیار دشوار صورت می‌گیرد. معصومان و راهبران دینی با توجه به این مهم در تبیین احکام و آموزه دینی و همچنین هدایت مردم بر اساس درک و فهم خود با آنان سخن نمی‌گفتند بلکه ملاک گفتار آنان درک و عقل مخاطبان بود. کلامی از پیامبر در مورد بیان شده که می‌فرماید: «إنا امرنا معاشر الأنبياء أن نكلم الناس بقدر عقولهم» (مجلسی، ج ۲، ص ۶۹).

به ما پیامبران دستور داده شده که با مردم به اندازه فهم و عقل شان سخن گوئیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما کلم رسول الله صلی الله علیه وآله العباد بکنه عقله

رسول خدا هرگز با مردم به کنه و باطن عقل خود سخن نگفت (کلینی ج ۱، ۱۳۸۸ق، ص ۲۳).

چنین به نظر می‌رسد که معصومین (ع) به دلایل ذیل این گونه رفتار می‌کردند:
الف. هدف مربی از ارتباط با متریان فهماندن مقاصد تربیتی و ایجاد روحیه پذیرش و تغییرات مطلوب در آنان است و این امر در صورتی تحقق می‌یابد که مخاطبان مراد او را در یابند. فهم مراد مربی در گرو آرایه مقاصد در حد درک مربی خواهد بود. در غیر این، اصلاً ارتباط تربیتی تحقق نمی‌یابد.

ب. در صورت عدم رعایت این معیار ممکن است مربی به اهداف تربیتی‌اش نرسد از این رو چون مراد مربی درک نشده نتیجه سوپی را در بر داشته باشد و مربی به سمت و سوپی هدایت شود که مربی نمی‌خواسته است. یعنی مربی به راهی کشیده شود که مطلوب مربی نبوده و در مسیر خلاف رهنمون گردد. از این رو، معصومین (ع) همه مطالب را برای همگان بیان نمی‌کردند بلکه بین مخاطبان خود تفکیک قایل می‌شدند و مطالب را در حد فهم و درک طرف تبیین می‌نمودند و برخی موضوعات را در اختیار افراد ویژه قرار می‌دادند. به عنوان نمونه جابر می‌گوید:

امام باقر (ع) نود هزار حدیث برای من بیان کردند که هرگز برای کسی بیان نکنم و برای هیچ کسی بیان نمی‌کنم او می‌گوید: به امام عرض کردم فدایت کردم چرا بار سنگینی بر من نهاده‌ای چرا اسراری برایم بیان کردی که نباید برای کسی بیان کنم. چه بسا سینه به جوشش می‌آید تا حدی که حالت جنون به من رخ می‌دهد. امام فرمود: در این حالت به کوه‌های اطراف پناه ببر حفره‌ای بکن و سرت را در آن فرو نما و بگو محمد بن علی به من چنین و چنان گفت (مجلسی، ج ۲، ص ۶۹).

۲. رعایت حال دیگران در انجام تکالیف

هدف پیشوایان دین جذب افراد به مسایل دینی، رعایت و استمرار و ادامه آن‌ها است از این رو تاکید آنان بر انجام وظایف به آسان‌ترین شکل و با رعایت حال همه اقشار جامعه بوده است. رسول خدا نماز جماعت را کوتاه و مختصر می‌خواند و دیگران را نیز به رعایت آن سفارش می‌کرد. نقل شده که پیامبر نماز جماعت را به اختصار اما کامل بر گزار می‌کرد

یوجز الصلاة ویکملها باب من اخف الصلاة عند بکاء الصبی (بخاری، ج ۱، ص ۱۷۳).

نقل شده که پیامبر فرمود: بر می‌خیزم که نما طولانی انجام دهم چون صدای گریه‌ی کودکان را می‌شنوم به اختصار نماز می‌خوانم زیرا دوست ندارم مادر کودکان به مشقت بیافتد (همان).

پیامبر (ص) دلیل اینکه باید نماز جماعت باید کوتاه و مختصر باشد بیان می‌دارد: شخصی به پیامبر (ص) عرض کرد یا رسول الله فلانی چنان نماز را طولانی می‌کند که توان درک و همراهی از من سلب می‌شود پیامبر (ص) با ناراحتی بی سابقه در موعظه خود فرمودند: مردم! (امام جماعت) شما دیگر مردمان را فراری می‌دهید، هر کس با مردم نماز می‌خواند، نماز مختصر برگزار کند زیرا در میان آنان مریض و نا توان و کسی هست که به دنبال کاری است و عجله دارد. (همان)

بیانات فوق نشانگر این مساله است که آموزه‌های دینی را هرگز نباید مشکل ساز کرد تا باعث نفرت و انزجار مردم گردد. لازم است امام جماعت حال تمام نماز گزاران را به خوبی رعایت نماید زیرا افراد متعددی در نماز شرکت می‌کنند که حال آنان یکسان نیست. ممکن است در میان آنان بیمار، پیر و سالمند یا نا توانی وجود داشته باشد که رکوع، سجود و قرائت طولانی توان آنان را می‌برد یا افرادی دارای کار ضروری، فوری و عاجل نیز در نماز حاضر باشند که رعایت نکردن شرایط و حال آنان باعث زده شده آن‌ها از شعایر دینی می‌شود.

۳. رفق و مدارا در تربیت عبادی

انسان در هر مرحله از زندگی دارای توانایی‌ها و استعدادها و ویژه‌ی همان مرحله است. در هر مقطع از زندگی توانایی‌هایی متفاوت از دوره‌های قبل در او بروز می‌کند. از هر فردی متناسب با شرایط ویژگی‌های سنی آن دوره، انتظارات و توقعات خاص همان سن و دوره می‌رود. اگر به این مهم توجه نشود تربیت مفید، انجام نشده و اهداف تربیتی اجرا نمی‌گردد. به خوبی روشن است که توقعات انسان از فرد دوساله با توقعات او از شخص پنج ساله برابر و یکسان نیست همان گونه که انتظارات او در مورد انسان تازه بالغ و میان سال متفاوت است (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸).

از این رو هر قدر توانایی فرد بالا برود به همان اندازه مسئولیت‌های مورد انتظار دقیق‌تر و عمیق‌تر خواهد شد.

بزرگان دین به این مهم توجه و اهتمام ویژه داشته‌اند. در مسایل تربیتی و دینی شرایط سنی را به طور ژرف مورد عنایت قرار داده‌اند و رعایت آن را برای دیگران بازگو نموده‌اند.

در عصر معصومین نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشا هر کدام در وقت‌های مخصوص خود برگزار می‌شدند. اما امام زین العابدین (ع) برای اینکه نماز بر کودکان نابالغ و زیرسن تکلیف، غیر تحمل و دشوار نشود اجازه داد آنان نمازهای ظهر و عصر و نمازهای مغرب و عشا را یکجا بخوانند. وقتی گفته شد آنان نماز را در وقت نمی‌خوانند فرمودند بهتر از این است که بخوابند و نخوانند (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۹).

امام صادق (ع) فرمود: ما کودکان مان را در هفت سالگی به روزه گرفتن در حدی که توان آن را دارند تا نصف روز، بیشتر یا کمتر دستور می‌دهیم، هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آن‌ها غلبه کرد افطار می‌کنند تا به روزه عادت کنند و توان روزه داری پیدا نمایند؛ شما کودکان‌تان را در نه سالگی به روزه گرفتن دستور دهید به هر اندازه که می‌توانند، هر گاه تشنگی بر آن‌ها غلبه کرد افطار کنند (طباطبایی، ص ۱۵۸).

از آنجا که کودک و نوجوان اولاً: به حدی از رشد جسمانی نرسیده‌اند که بتوانند از عهده کارهای بزرگسالان بر آیند ثانیاً: کودک و نوجوان آمادگی روحی و ذهنی لازم را برای انجام کامل معارف و آداب و احکام را پیدا نکرده‌اند لازم است با آنان با ملایمت رفتار شود. بدیهی است که انتظارات به دلیل تحمل زیاد، تمرین و ممارست بیشتر و داشتن قابلیت‌های فراوان از بزرگسالان بالاتر و بیشتر است.

حماد بن عیسی می‌گوید:

روزی امام صادق (ع) فرمود: حماد می‌توانی نماز به احسن وجه انجام دهی؟ گفتم آقا من کتاب صلاه حریز را حفظم فرمود: نه حماد، برخیز و نماز گزار و من انجام دادم امام به من فرمود حماد نمی‌توانی نماز را به خوبی انجام دهی، چه زشت است کسی از شما شصت یا هفتاد ساله باشد اما نتواند یک نماز با رعایت تمام حدود آن به جا آورد.

گفتم نماز به من بیاموز، ایشان بر خاستند یک نماز کامل اقامه کردند. (کافی، ج ۳، ص ۳۱۱).

۴. رفق و مدارا از نظر تفاوت ایمانی

مسلمانان از لحاظ در ایمانی و اعتقاد قلبی در یک درجه قرار ندارند، بعضی ایمان در عمق جان آنان نفوذ کرده، بعضی عمق ایمانی شان کمتر و بعضی فقط در لفظ مسلمان‌اند. بدیهی است وظایف همه این‌ها یکسان نیستند. درجه ایمانی هر چه از عمق بیشتر بر خوردار باشد به همان اندازه مسئولیت‌ها سنگین‌تر می‌شود و انتظارات نیز افزایش می‌یابد بر عکس هر چه ایمان سطحی‌تر باشد میزان تحمل پایین‌تر و وظایف آسان‌تر خواهد بود. این امر در متد تربیتی معصومان و رهبران دینی (ع) کاملاً رعایت شده است. توجه آنان در دو مورد بسیار قوی نمود یافته است:

اول آنکه آنان با کسانی که درجه ایمانی قوی نداشتند همانند آنانی که از ایمان محکم بر خوردار بودند رفتار می‌کردند و آنان را به دلیل ضعف ایمان‌شان در انزوا و قرار نمی‌دادند.

دوم آنکه از هر کسی، متناسب با درجه ایمانش توقعاتی داشتند و بیش از آن را بر او تحمیل نمی‌کردند (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). گفت‌وگوی امام صادق (ع) و یکی از شیعیانش بیانگر واقعیت بسیار دقیق و عمیق در امر تربیت دینی می‌باشد:

یکی از شیعیان می‌گوید در حضور امام صادق (ع) سخن در باره‌ی عده‌ای مطرح شد. گفتم: از آنان بیزارم زیرا آنان بر آنچه ما معتقدیم معتقد نیستند. امام فرمود: دوستدار ما هستند و به آنچه شما قایلید قایل نیستند و شما از آنان بیزاری می‌جوئید؟ گفتم: آری. فرمود: اگر چنین است ما هم از مزایای برخورداریم که شما از آن بی بهره‌اید پس ما هم باید از شما بیزاری جوئیم...؟! با آن‌ها دوستی کنید و از آن‌ها بیزاری نجوئید زیرا بعضی از مسلمانان از اسلام یک سهم، دوسهم و... و هفت سهم دارند. شایسته نیست بر آنان که یک سهم از اسلام دارند به اندازه آنکه دوسهم دارد بار کنیم و... بر آنان سخت نگیرید. مگر نمی‌دانید که امامت ما بر رفق و مدارا و انس و وقار و... است مردم را به دین‌تان و آنچه بر آن هستید تشویق نماید (حرعاملی، ۱۴۱۴ق،

مراتب ایمان و قوت اعتقاد افراد مورد توجه بزرگان دین بوده و لذا با افراد به اندازه عمق ایمان‌شان برخورد می‌نمودند. شاید نرمی و ملایمت رهبران دین(ع) در رفتار با خطا کاران به دلیل پایین بودن درجه ایمانی آنان بوده است.

۵. رفق و مدارا در موعظه

موعظه یکی از روش‌های موثر تربیتی به شمار می‌رود. به اعتقاد روان شناسان، انسان‌ها معمولا موعظه و نصیحت را خصوصا در دوره کودکی و نوجوانی دوست ندارند. با این وصف معصومان(ع) در موعظه‌های خود حال مخاطبان‌شان را رعایت می‌کردند و غالبا کوتاه و مختصر به موعظه می‌پرداختند تا مردم از آموزه‌های دینی خسته و بیزار نشوند. چنانچه نقل شده که ایشان موعظه‌های خود را در روزهای مختلف انجام می‌دادند و همه روزه به موعظه نمی‌پرداختند؛ زیرا نمی‌خواستند مردم از آموزه‌های دیند دل‌سرد شوند. (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۵) مریبان دینی و مروجان اعتقادی عصر ما نیز باید از این روش وام گیرند و مخاطبان را به اندازه اشتیاق‌شان به شنیدن نصیحت، موعظه نمایند.

ب. رفق و مدارا باخود

بیانات و سیره‌ها نشان دهنده این است که رفق مدارای تربیتی تنها در مورد دیگران قابل اجرا نیست بلکه شامل تربیت خود فرد نیز می‌شود و رعایت آن لازم به نظر می‌رسد:

امیر مومنان (ع) خطاب به حارث در مورد مدارا با نفس در عبادت می‌فرماید: «نفس خود را در واداشتن به عبادت فریب ده و با آن مدارا کن و به زور و اکراه بر چیزی مجبور نشو، در وقت فراغت و نشاط به کارش گیر، جز در آنچه بر تو واجب است» (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

یکی از صحابه پیامبر می‌گوید: پیامبر به من فرمود: «آیا خبر ندهم تو را که شبها نماز می‌خوانی و روزها روزه می‌گیری؟ گفتم: من چنین می‌کنم. پیامبر فرمود اگر چنین کنی، چشمانت گود می‌افتد و روحت خسته می‌شود؛ در حالی که روحت بر تو حقی دارد و خانواده‌ات نیز بر تو حقی دارند. یک روز روزه بگیر و روزی روزه نگیر و افطار کن، در شب، هم نماز بخوان و هم بخواب» (اریلی، ج ۲، ص ۴۹).

محدوده و قلمرو رفق و مدارا

آیا رفق و مدارا در همه کار ساز است به عبارت دیگر آیا رفق و مدارا نسخه‌ای است در هر شرایطی کاربرد دارد یا مواردی نیز یافت می‌شود که جواب‌گو نیست؟ در صورت مثبت بودن صورت دوم محدوده و قلمرو آن تا چه اندازه است؟ وقتی به رهنمودهای معصومان مراجعه کنیم به خوبی در می‌یابیم که آنان در مواردی از این روش استفاده نمی‌کردند و در مقابل رفتارها و عملکردها شدت عمل نشان می‌دادند. از بیان فوق چنین برداشت می‌شود که رفق و مدارا دارای حدود و ثغور ویژه است و در هر موقعیت و شرایط قابل اجرا نمی‌باشد. چه اگر از مدارا به صورت غیر کارشناسی شده سود جسته شود، مشکل ساز خواهد شد. روایت ذیل بر مساله اشاره دارد: «درشتخویی را با اندک نرمی بیامیز در آنجا که مدارا کردن تهنیت است مدارا کن و در جای که جز با درشتی کار انجام نگیرد درشتی کن» (نهج البلاغه، نامه ۴۶).

چنانچه در جای دیگر می‌فرماید: «إذا كان الرفق خرقا كان الخرق رفقاً. ربما كان الدواء داء والداء دواء» (نهج البلاغه، ص ۵۲).

هرگاه رفق و مدارا به منزله شدت عمل شد، شدت عمل نیز به منزله رفق و مدارا خواهد بود بسا دارو که مایه درد و بیماری باشد و بسا دردی که خود دوا است. محدوده رفق و مدارای تربیتی را می‌توان با مراجعه منابع روایی و احادیث تعیین نمود که برخی از این قلمروها عبارتند از:

۱. نیروی بدنی و فیزیکی

بی شک توان قدرت بدنی یکی از شرایط تکلیف در اسلام است و از هر فرد به اندازه قدرت و توان وی انتظار دارد «لایکلف الله الا وسعها». این حقیقت در تربیت دینی نیز رعایت شده است. مربیان دینی (معصومان) در باره تربیت دینی کودکان با نرمی و ملایمت و ملاطفت رفتار می‌نمودند و بسیاری از مستحبات را از آنان نمی‌خواستند در حالیکه توقع آنان رعایت مستحبات از سوی بزرگسالان بالا بود (همان، ص ۲۴۰).

۲. علم و جهل

در اسلام حکم افراد آگاه به آموزه‌های اسلام و افرادی جاهل از احکام دینی یکسان نیست و لذا رهبران دینی و معصومان(ع) در موارد مواجهه با فرد نا آگاه به دستورات دینی با مدارا رفتار می‌کردند و اجازه نمی‌دادند دیگران با او رفتار خشونت آمیز داشته باشند. یکی از یاران پیامبر (ص) نقل می‌کند، ما با پیامبر (ص) در مسجد بودیم، اعرابی آمد و در مسجد مشغول ادرار شد. اصحاب او را از این کار منع کردند پیامبر (ص) فرمود: به او کار نداشته باشید. آنگاه پیامبر او را نزد خود خواند و فرمود: مساجد نه جای ادرار است و نه محل کتافات دیگر. بلکه باید در آن به ذکر خدا، نماز، و قرائت قرآن مشغول بود (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶۳).

از آنجا که این فرد بادیه نشین بوده و پیامبر (ص) او را توجیه کرده و آداب مسجد آموخت چنین استفاده می‌شود، ناآگاهی وی سبب رفتار نرم و آرام پیامبر شده است

۳. هوش و استعداد

روشن است که همه جا افراد از ضریب هوشی و قابلیت‌های یکسان برخوردار نیستند و درک آن‌ها از واقعیت‌ها نیز متفاوت و گوناگون است. ائمه دین با توجه به این ممیزه انسانی با افراد مختلف با زبان در خور فهم، درک و نیز به اندازه کشش ذهنی و درونی آنان صحبت می‌کردند:

إنا امرنا معاشر الأنبياء أن نكلم الناس بقدر عقولهم (مجلسی، ج ۲، ص ۶۹).

امام علی (ع) می‌فرماید:

كلموا الناس على قدر عقولهم اتحبون ان يكذبوا الله ورسوله (علامه حلی، ج ۱،

ص ۱۵۳).

با این وصف مربی نیز برای کارساز واقع شدن مقاصد تربیتی باید آنگونه رفتار نماید که برای مربی قابل درک باشد و بتواند آن را هزم نماید. در غیر این صورت رفتار و کردار مربی مفهوم خود را از دست داده و امر تربیت مشکل ساز خواهد شد و ارتباط مربی با مربی قطع گردیده و نفوذ خود را بر او از دست خواهد داد.

۴. قدرت ایمان

قوت ایمان نیز از مسایل مورد توجه مربی باید باشد. هرگز عقل چنین داوری نمی‌کند که با همه افراد به صورت یکسان برخورد شود. مربی باید با افرادی که دارای عمق ایمانی و اشخاصی که هنوز ایمان از مرحله زبان نگذشته، مساوی نشمرده و شرایط هر کدام را در رفتار تربیتی خود لحاظ نماید. چنانچه رفتار امام صادق با برخی از شیعیان که به ایشان گفتند ما از عده‌ی بیزاری می‌جوییم، با اینکه دوستدار ائمه (ع) هستند نشان می‌دهد، آنان درجات ایمان را در رفتار خود مد نظر داشته‌اند و با هر کسی به اندازه درجه ایمانش رفتار می‌نمودند. (همان، ص ۲۴۲).

۵. جنس

بدیهی است که افراد همان طور که از حیث توان جسمی و عقلی متفاوت‌اند از لحاظ جنسی نیز تفاوت‌هایی دارند. انسان ضمن دارا بودن خصوصیات مشترک که شرایط و وظایف مشترک بار می‌شود ویژگی‌های خاص جنسی نیز دارند که وظایف ویژه خود را دارند. از آنجا که زنان و دختران دارای روحیات و احساسات و عواطف قوی هستند انتظار می‌رود مریبان نسبت به این خصیصه‌ها توجه نموده و با التفات به آن‌ها به تربیت مربی خود بپردازند در غیر این صورت تربیت موثر نخواهد بود. دین اسلام و پیشوایان دینی با در نظر داشت این واقعیت رفتارها را تعدیل و تنظیم نموده‌اند. در روایات آمده است از لحاظ عاطفی باید توجه به دختر بیشتر باشد؛ چون او از روحیه ظریف و حساس برخوردار است، اگر هدیه برای بچه‌ها می‌گیرد اول باید هدیه دخترها را تقدیم کند. این به خاطر داشتن روحیه‌ی حساس او است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنثَاءِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ» (کلینی، ۱۳۹۱، ص ۶).

خداوند نسبت به دختران مهربان‌تر است تا پسران.

هر کس به بازار رود و هدیه و کالا با خود بردارد و برای همسر و فرزندان به منزل ببرد مثل کسی است که خویشان خود که مستمند و نیازمندند صدقه داده است و هنگام تقسیم هدایا باید دختران را بر پسر مقدم کند زیرا هر کس دخترش را خوشحال نماید مثل این است که بنده‌ای به مقام فرزند اسماعیل را آزاد کرده باشد. (عاملی، ۱۱۰۴، ص ۲۲۷).

۶. الزامی و غیر الزامی بودن عمل

آموزه‌های دینی هم از لحاظ شدت و ضعف برابر نیستند و دارای مراتب مختلف‌اند بعضی واجب، بعضی حرام، برخی مستحب، بخشی مکروه و سرانجام پاره‌ی از آن‌ها مباح‌اند. واجب و حرام احکامی‌اند لازم‌الاتباع و مخالفت جایز نیست، مستحبات و مکروهات هرچند الزام ندارند و ترک آن‌ها عقاب آور نیست ولی رعایت آن‌ها بهتر است و مباحات اعمالی است در حیطة تصمیم‌گیری خود فرد.

در تربیت دینی مستحبات، مکروهات و مباحات قلمرو اصلی رفق و مدارا است. تسامح و تساهل آنان در تربیت عبادی و... بیان‌کننده عدم لزوم رعایت آن است. اما در مورد احکام الزامی مانند واجبات و محرمات نمی‌توان یک قاعده کلی و عامی را ارایه داد تا همواره طبق آن عمل شود. در تصمیم‌گیری راجع به آن‌ها مولفه‌ها و عوامل یاد شده قبلی موثر است.

آثار تربیتی رفق و مدارا

رفق و مدارا یکی از اصول مهم و حیاتی تربیتی است که تاثیر شگرفی در پیوند دل‌های مردم دارد این اصل مهم و اساسی یکی از ابزارهای لازم و ضروری برای تربیت است.

نفوذ و تاثیر گذاری بر دیگران ابزارهای مختلفی دارد و به شیوه‌ها و راه‌های گوناگون می‌توان در دیگران نفوذ کرد و اعمال و رفتار آن‌ها را طبق ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر، تغییر داد یکی از راه‌ها نفوذ در افراد و تحت تاثیر قرار دادن آن‌ها می‌باشد؛ چرا که رفق و مدارا باعث می‌شود که دل افراد نرم شود و تمایل قلبی در آنان به وجود بیاید. به عبارت دیگر نفوذی که از طریق مدارا حاصل می‌شود نفوذ در دل‌ها است و نفوذ در دل‌ها، قوی‌ترین و موثرترین نفوذ می‌باشد

پیامبر اسلام نمونه بارز مربیانی است که از نفوذ قوی و عمیقی در میان مردم برخوردار بود و در اعماق دل مردم نفوذ داشت به طوری که مردم با عشق و علاقه و با خوست و اراده خویش و بدون اجبار به سخنان آن حضرت گوش می‌دادند و اعمال و رفتار خویش را طبق خواسته‌های او تغییر می‌دادند.

خدا دلیل اصلی نفوذ عمیق او بر دل‌ها را ملایمت نسبت به مردم دانسته است
 فبما رحمۃ من الله لنت لهم.

رفق و مدارای آن حضرت با مردم یکی از نقاط عطفی سیره عملی اخلاقی، تربیتی و... ایشان بود از اهمیت ویژه برخوردار بود؛ تحول عظیمی در جامعه آن روز ایجاد کرد. از انسان‌های جاهل و بت پرست، انسان‌های پاک و وارسته و متعالی ساخت، جز در سایه رفق و مدارای آن حضرت ممکن نبود.

رفق و مدارا با مردم یکی از دستورات خداوند به پیامبر(ص) بود و آن حضرت طبق دستوری که داشت باید مدارا را سرلوحه رفتار خود قرار می‌داد.

با مراجعه بر متون دینی و اعتقادی، به این نتیجه می‌رسیم، رفق و مدارا ویژه پیامبر اسلام نبوده بلکه از آنجا که تمام پیامبران الهی و منادیان وحی برای هدایت و تربیت بشر گماشته شده‌اند، مامور به رعایت آن بودند(مجلسی، ج ۲، ص ۶۹).

پیامد رفق

مدارا با مربی آثار، ثمرات و برکات مثبت و فراوانی دارد و مربیان با در پیش گرفتن سیاست رفق و مدارا در بر خورد با متربیان می‌توانند از پیامدهای مثبت آن بهره‌مند شوند. برخی از آثار مثبت آن عبارتند از: دستیابی به خواسته‌های خود از طریق دیگران، فایق آمدن بر مشکلات، تسهیل رواق و ایجاد پیوند و رابطه عاطفی که راه را برای تربیت افراد هموار می‌سازد.

اصولا بدون در پیش گرفتن رفتار نرم و همراه با رفق و مدارا با متربیان نفوذ در مردم، به ویژه نفوذ در دل‌ها و جان‌های آنان امکان پذیر نیست. درمقابل با رفق و مدارا می‌توان در دل و جان آن‌ها وارد شد و به مقاصد و خواسته‌های تربیتی خود نایل آمد. انی مساله در مودر ارتباط میان مربی و متربی مصداق بارزتری وارد، بدین معنا که مربی

در صورتی می‌توان در دل و جان مربی نفوذ نماید و عملکرد و رفتار آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد که با آن‌ها رفتار ملایم و توأم با مدارا داشته باشد.

امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «کسی که با زیر دستان نرمش نداشته باشد به خواسته‌هایش دست پیدا نمی‌کند» (غرر، ۹۰۰۶). من لم یلن لمن دونه

در بیان دیگر می‌فرماید: «موفق‌ترین مردم در رسیدن به خواسته‌هایشان، انسان‌های خردمند و مداراگر است. ادرك الناس لحاجته ذوالعقل المسترفق» (همان ح ۳۳۲۵).

مربی در صورتی می‌تواند به اهداف خود دست یابد که رفتار او با متربیان به گونه باشد که آنان را تحت تاثیر قرار دهد و در آنان انگیزه لازم برای همکاری و همپایی با مربی را به وجود آورد. در صورت نفوذ و تاثیر بر متربیان است که دستیابی به اهداف و نتایج دلخواه تربیتی امکان‌پذیر و آسان‌تر می‌شود.

تربیت همواره با مشکلات و مسایل خاص همراه است، اگر مبی بخواهد بر این مشکلات فایق آید و پیروز شود و وظیفه خود را به خوب‌ترین شکل انجام دهد، چاره جز در پیش گرفتن مدارا در برخورد با متربیان ندارد؛ زیرا یکی از راه‌های که می‌توان بر مشکلات و مسایل به خصوص مسایل و مشکلات تربیتی فایق آمد رفق و مدارا است.

علی (ع) می‌فرماید: رفق و مدارا سختی‌ها و دشواری‌ها را آسان کرده و چاره‌های سخت را ساده می‌کند.

اگر رفق و مدارا مورد توجه جدی قرار نگیرد و در مناسبات و روابط و رفتار با مردم، مدارا حاکم نباشد مشکلات بسیاری در امر تربیتی پدید خواهد آمد.

امام صادق (ع) رفق و مدارا با مردم را سبب ارجمند شدن و خشونت را سبب خوار شدن نزد آنان می‌داند (مجلسی، ج ۷۸، ص ۲۶۹).

رفق و مدارا نه تنها در تاثیر گذاری بر دیگران موثر است بلکه می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات و مسایل در فرایند تربیت جلوگیری نماید و نیز می‌تواند به عنوان یک راه حل اساسی برای حل و فصل بیساری از مشکلات به وجود آمده در مسیر تربیت افراد، در نظر گرفت.

بنا بر این یکی از راه‌های که مربی می‌تواند در نقش هدایتگری واقعی ظاهر شود و در مربیان و عملکرد آنان را در حوزه نفوذ خود قرار دهد، رفق و مدارا با آنان است؛ در این صورت می‌توان در دل‌های مربیان نفوذ کرد و به اهداف تربیتی خود دست یافت؛ زیرا رفق و مدارا یکی از عوامل اصلی در پیروزی و کامیابی است.

رفق و مدارا یا شدت و تندی

بعد از توضیح و تبیین مساله رفق و مدارا و بیان اهمیت ارزشی که در متون غنی اسلامی در مورد آن وجود دارد سفارشات و توصیه‌های رهبران دین در مورد ضرورت گرفتن سیاست رفق و مدارا در معامل و رابطه با مردم، این سوال مطرح می‌شود، آیا ضرورت استفاده از رفق و مدارا به ویژه در تربیت یک امر دایمی و همیشگی است یا اینکه با توجه با اقتضائات و شرایط مختلف، ممکن است رفتار همراه با رفق و مدارا ضرورت نداشته باشد، یا حتی خلاف آن، یعنی رفتار تند و خشن ضرورت پیدا کند؟ به عبارت دیگر آیا استفاده مطلق از رفق و مدارا باعث سوء استفاده دیگران نمی‌شود؟ و اگر مبری بخواهد همواره ملتزم به رفق و مدارا باشد و رفتار ملامیم با مربی داشته باشد آیا مربی از این مساله سوء استفاده نخواهد کرد و باعث کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف دینی و تربیتی نمی‌گردد؟

در پاسخ باید گفت در است که سود جستن از رفق و مدارا در روابط و مناسبات تربیتی کاری پسندیده و معقول است و می‌تواند باعث تقویت رابطه مثبت و سازنده میان مربی و مربی شود و نفوذ مربی را در مربی به دنبال داشته باشد، ام باید توجه داشت که این مساله هیچ‌گاه به صورت مطلق و دایمی مطلوبیت ندارد و منطقی نیست. در متون دینی گرچه سفارش‌های ویژه نسبت به رعایت رفق و مدارا در تعامل با مردم شده اما خود رهبران دینی در بیان و عمل به این نکته اشاره نموده‌اند که رفق و مدارا با مردم به هیچ وجه مطلق و همیشگی نیست بلکه مساله است که نسبت به اقتضائات و شرایط مختلف ممکن است تفاوت کند. حضرت امیر المومنین به یکی از فرمانداران نسبت به برخورد و معامل با مردم می‌فرماید:

« در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن اما آنجایی که جز با شدت عمل کار

از پیش نمی‌رود شدت عمل داشته باش.

بنابراین سیاست رفق و مدارا در صورتی مطلوب و منطقی است و صورت یک اصل در فرایند تربیت مورد تایید است که مورد سوء استفاده قرار نگیرد؛ و اگر از این سیاست سوء استفاده شود سیاست شدت عمل و خشونت و دوری از ملایمت ضرورت دارد.

آیا رفق و مدارا همیشه پیامد و کارکرد مثبت دارد و همواره کارساز است یا می تواند ثمرات منفی نیز داشته باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا رفق و مدارا در تربیت دینی هیچ چگونه اثری ملموس و قابل توجهی دارد؟

باید یاد آور شد، رفق و مدارا به خودی خود قابل داوری نیست نه می توان گفت خوب است و نه می توان گفت بد، بلکه به فرد، هدف، شرایط بستگی دارد. بنابر این پیامدهای رفق و مدارا همواره مثبت نیست همانطور که کاربرد آن هر شرایطی مفید نخواهد بود. در نتیجه رفق و مدارا می تواند کارکرد مثبت و می تواند تحت شرایط ویژه و در قبال افراد خاص آثار منفی داشته باشد.

با توجه به آنچه تا کنون در مورد دلایل و لزوم رعایت رفق و مدارا بیان شد تا حدودی جواب سؤال های فوق داده شد.

بنابراین آثار رفق و مدارا را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - آثار مثبت

۱. رفق و مدارا با متریبان باعث جذب آنان به مربی، شخصیت، منش، آراء و عقاید مربی می گردد. در رفتار امام زین العابدین با مردی که به ایشان دشنام داد و نیز رفتار امام حسن با مرد شامی این تاثیر بسیار آشکار است. همین امر موجب تاثیر پذیری بیشتر مربی از مربی می شود و در دل و جان او نفوذ می نماید و آرام آرام عقاید او را پذیرا می شود (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). این مساله در کلام امام صادق (ع) بیان شد که مدارا با مردم به خصوص با مخالفان باعث جذب آنها به سوی دین می شود:

و اما المخالفون فیکلمهم بالمداواة لاجتذابهم الی الایمان (مجلسی، ج ۷۵، ص ۴۲).

اما با مخالفان به نرمی و مدارا سخن می گوید تا آنان را مجذوب دین نماید.

۲. رفق و مدارا باعث می شود متریبان آموزه های دینی و مفاهیم اعتقادی را به بهترین وجه درک و جذب نمایند و به تدریج به مدارج بالای ایمان و کمال برسند،

بدون اینکه از اعمال دینی احساس خستگی کنند و دلسرد شوند (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). پیامبر در توصیه‌اش به امیر المومنین می‌فرماید: عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن که افراط کار نه مرکب خود را سالم باقی می‌گذارد و نه به سر منزل مقصود می‌رسد. (کلینی، ۱۳۹۱ ج ۲، ص ۷۱).

از این حدیث استفاده می‌شود، اگر مربی در مقام تربیت با سلاح رفق و مدارا آراسته نباشد نمی‌تواند قله‌های کمال را طی کند و به سعادت برسد. زیرا با افراط کاری نه تنها به اهداف واقعی خود نمی‌رسد بلکه نتیجه عکس خواهد گرفت.

۳. رفق و مدارا باعث می‌شود مربی اعمال را در حیطه قدرت خود ببیند و در انجام آن تشویق و ترغیب شود. اگر عملی فوق قدرت او باشد و نتواند از عهده انجام آن برآید ضمن اینکه نسبت به انجام عمل دل سرد می‌شود، چه بسا احساس نفرت و بدبینی نسبت به آن ایجاد نماید و مربی زیر بار مسئولیت نرود. همانند داستان مرد مسلمان و همسایه‌ی مسیحی که به دست او اسلام آورده بود و به سبب سخت‌گیری‌های او از دین اسلام برگشت.

در این صورت هم مربی، از رسیدن به اهداف و مقاصدش و هم مربی از نیل به شکوفایی، بالندگی و کمال انسانی باز می‌ماند و جای دین پذیر، دین گریز بار می‌آید. چه بسا مربی با یک بینش منفی نسبت به توان و قدرت خود در انجام کار ضعیف جلوه کند ممکن است کاری مشکل و دشوار باشد در این صورت مربی با دخالت‌های به موقع و به جا نگرش منفی را تضعیف می‌کند و از بین می‌برد و او را در انجام کار ترغیب و تشویق می‌کند و از عواقب ناگوار آن آگاه سازد.

ب- آثار منفی

۱. سستی در برابر انجام وظایف و جدی نگرفتن آن‌ها؛ آسان‌گیری و ملایمت در انجام وظایف، ممکن است سستی و کاهلی سراغ او را بگیرد و در انجام تکالیف سستی نماید و در نهایت منجر به ترک وظیفه شود و باعث «استخفاف» عمل گردد. «لاتهاون بصلاتک، فان النبی قال عند موته لیس من استخف بصلاته» (ری شهری، ۴۰۴)؛

۲. غفلت زدگی؛ در برخورد آسانگیرانه چه بسا در انجام عمل به حد اقل، بسنده کند که مانع رشد و دستیابی او به کمالات انسانی شود؛

۳. جرات در انجام رفتار ناسازگارانه؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «بندگان خدا! به خویشتن اجازه مدهانه و لابلالی‌گری ندهید که شما را به ستم می‌کشاند. آنگاه که حق را شناختید و حق به شما روی آورد و نیازی به یاری شما دارد هرگز مدهانه و سستی نکنید (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). فرمان خدا را بر پای نمی‌دارد مگر کسی که در حق مدارا نکند و سازش نکند و در پی طمع‌های نتازد» (همان، حکمت ۱۱۰). بنا برای مدارا هیچ وقت به معنی ترک و سازش در انجام ندادن وظیفه، سست پروری، غفلت آفرینی نیست بلکه خواستن کار به اندازه توان، به بهترین شکل آن است. آثار منفی را می‌توان با ترهیب و تنبیه از نتایج تلخ و هشدار نسبت به پیامدهای ناگوار آن، از بین برد و در جهت پویایی و شکوفایی استعدادهای نهفته در افراد، سمت و سو داد و از آن جلوگیری نمود.

نتیجه‌گیری

از مباحث فوق چنین برداشت می‌شود؛ تربیت بدون رفق و مدارا امکان پذیر نیست و مربیی در تربیت افراد موفق است که بتواند از این اصل به خوبی استفاده نماید. دین اسلام که برای تربیت و جذب انسان‌ها به سوی کمال و سعادت نهایی و واقعی آمده است، به مدارا به عنوان اصل اساسی و بنیادین، توجه ویژه دارد. رهبران دین با شناخت از خصوصیات جبلّی و اکتسابی انسان، از آن به بهره‌های زیادی گرفته‌اند. از آنجا که بشر از نظر قدرت جسمی، نیروی فکری و توان درک و کشش ذهنی محدود می‌باشد، معصومان (ع) مسایل و معارف دینی را متناسب با درک، فهم و شناخت مردم تبیین و نیز در انجام فرایض قدرت بدنی و نیروی فکری و ... لحاظ می‌کردند. به ویژه به کودکان توجه خاصی داشتند. با توجه به بیانات و رفتار پیشوایان دین، به نتیجه مطلق نبودن رفق و مدارا می‌رسیم، یعنی از رفق و مدارا نمی‌توان هر در جا، زمان و حال بهره گرفت. سود بردن از آن در بعضی شرایط ممکن است نتایج سوئی در پی داشته باشد. از این رودر پاره از موارد برخورد شدید در اصلاح رفتار ناسازگارانه کارساز خواهد بود. بنابراین، گستره رفق و مدارا به مقیاس‌های علم و جهل، قدرت بدنی، سطح ایمان، الزامی بودن و نبودن عمل و ... بستگی دارد. رفق و مدارا در جذب، درک مقاصد مربی و تشویق و ترغیب برای عملی کردن و تثبیت آموزه‌های دینی تاثیر شگرفی دارد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد. مسند، دار الصادر، بیروت، [بی تا].
۲. ابن عساکر. ترجمه الامام حسین، مجمع احیاء ثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۴.
۳. ابن منظور. لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ق.
۴. ابو زهره، محمد. خاتم پیامان، ترجمه حسین صابری، آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۵.
۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب، قم: ۱۳۳۷.
۶. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، تهران: ۱۳۸۵.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح بخاری، دوره ۸ جلدی، دار الفکر بیروت: [بی تا].
۸. حاجی ده آبادی، محمد علی. درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ (چاپ اول).
۹. حسینی زاده، علی. تربیت فرزند. ج ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۶.
۱۰. حلی. تذکره الفقهاء، دوره دو جلدی، مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۱. حویزی، عبد العلی. تفسیر نور الثقلین، موسسه اسماعیلیان، بیروت:
۱۲. داوودی، محمد. تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۴ (چاپ دوم).
۱۳. دهخدا، علی اکبر. لغتنامه دهخدا، موسسه لغتنامه دهخدا، تهران: ۱۳۳۴-۱۳۲۵.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین. سنن النبی، ترجمه محمد هادی فقهی، کتابفروشی اسلامی، تهران: ۱۳۷۵.
۱۵. طریحی، فخر الدین بن محمد. مجمع البحرین، ج ۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۴۰۸ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الاحکام، دوره ۱۰ جلدی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۷. عاملی، محمد بن الحسن. وسائل الشیعہ، دوره ۲۰ جلدی، کتابفروشی اسلامی، تهران: ۱۴۰۳.
۱۸. کاشانی، محسن فیض. تفسیر صافی، ج ۱، بیروت موسسه الاعلمی للمطبوعات [بی تا]، ص ۱۸۰.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی، دوره ۸ جلدی، المکتبه الاسلامیه، تهران: ۱۳۹۱ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، دوره جلدی ۱۱۰ موسسه الوفاء بیروت: ۱۴۰۳ق.
۲۱. محمدی ری شهری. میزان الحکمه، دوره ۱۵ جلدی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۲. مسلم بن حجاج. الجامع الصحیح، دار الفکر، بیروت: ۱۴۰۱.
۲۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت (ع) بیروت: ۱۴۰۸ق